

علم أصول الفقه

٢-٧-٩١ مبادئ مختص تصديقي ٤

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- شلایرماخر که یک شخصیت آلمانی بود، در یک فضای خاص فکری قرار داشت. در آن زمان، فضای آلمان، مملو از بحث‌های کانت بود.
- کانت به دنبال قواعد عمومی تفکر و اندیشه‌ی بشری می‌گشت. شلایرماخر در آن فضا بحثی را مطرح کرد که در زمان خودش چندان مورد توجه قرار نگرفت؛ همانند بسیاری از بحث‌های نو و تازه که اهمیت آنها در زمان خودشان شناخته نمی‌شود.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- نکته‌ای که شلایرماخر را به خود جلب کرد، تفسیر مسیحیان از کتاب مقدس بود. او دریافت تفسیر مسیحیان به صورت خاص روی متن خاص است. اگر انجیل لوقا را تفسیر می‌کنند، فقط به تفسیر همان می‌پردازند که ممکن است با تفسیر سایر متون تطبیق نکند. همچنین متوجه شد این تفسیرها ناظر به متن کتاب مقدس و متن دین است.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- بنابراین تفسیر مسیحیان دو ویژگی داشت:
- از یک سو فقط به متون دینی اختصاص داشت
- و از سوی دیگر هر تفسیری ناظر به متن خاصی از دین بود.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- در چنین فضایی، شلایرماخر به طرح این بحث پرداخت که آیا اصلاً برای فهم متن، فارق از صاحب آن، قواعدی وجود دارد؟
- آیا می‌توان قاعده‌ای را کشف نمود که چگونگی تفسیر متن را بیان نماید؟
- یعنی شلایرماخر از همان جایی شروع کرد که مباحث الفاظ علم اصول شروع شد.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- در تاریخ علم اصول اشاره کردیم که مباحث الفاظ شاید قدیمی ترین بخش علم اصول باشد. عمده‌ی مباحث رساله‌ی شافعی (اولین کتاب اصولی در نزد اهل سنت)، در مورد الفاظ است و اگر رساله‌ی هشام بن حکم، یک رساله‌ی اصولی باشد، در مورد همین مباحث الفاظ نوشته شده است.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- از آن سو وقتی به تاریخ علم اصول می‌نگریم، تا قرن‌ها، حجم اصلی بحث‌های اصولی را مباحث الفاظ تشکیل می‌داده و سایر بخش‌ها در مقایسه با این بخش بسیار کم بوده است.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- اصولی‌ها در مباحث الفاظ، به دنبال قواعد عمومی ظهورات الفاظ برآمدند تا بفهمند الفاظ به شکل کلی در چه معنایی ظهور دارند. خاستگاه هرمنوتیک هم از همان نقطه‌ای است که علم اصول شروع شد و تقریباً با همان پیش فرض‌هایی است که علم اصول داشت. اگرچه همان طور که شاهد خواهیم بود، بحث شلایرماخر کاملاً با دیدگاه اصولی‌ها یکسان نیست.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- شلایرماخر مثل گذشتگان خود معتقد بود متن معنای مشخصی دارد.
- در اصطلاح هرمنوتیک به آن معنای مشخص، **معنای نهایی** گفته می‌شود.
- هدف، غرض و مسئولیت مفسر، کشف آن معنای نهایی است.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- بعد از شلایرماخر، هرمنوتیک توسط شخصیت دیگری به نام دیلتای پی گرفته شد.
- در واقع دیلتای کسی بود که شلایرماخر را از بُعد هرمنوتیکی به جهان غرب معرفی کرد.
- قبل از او شلایرماخر به عنوان یک متکلم مسیحی مطرح و آرای او در کلام مورد توجه بود.
- دیلتای او را از بُعد دیگر به جهان غرب معرفی کرد.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- دیلتای بحث شلایرماخر را که فقط مربوط به تفسیر متن و عمدتاً ناظر به متن نوشتاری (کتاب، گفتار، لفظ، نوشته) بود، توسعه داد و از آن به عنوان روشی برای شناخت استفاده نمود.
- در نظر دیلتای هرمنوتیک قواعدی دارد که در مطلق شناخت قابل استفاده است.
- هرمنوتیک دیلتای، روش فهم، روش شناخت و روش علم است.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- در دوران دیلتای، پوزیتویست‌ها (فیلسوفان تحصلی) میدان دار صحنه‌ی فلسفه بودند. آنها بسیار بر مسأله‌ی تجربه تأکید داشتند. به همین دلیل هر گزاره‌ای را که قابل تجربه نباشد، فاقد اعتبار می‌دانستند.
- با پوزیتویست‌ها بحث معیار معناداری به صورت جدی مطرح شد. در نظر آنها معیار معنا داشتن یک عبارت، قابل تجربه بودن آن است. با این وصف جمله‌ی «خدا وجود دارد» یک جمله‌ی بی‌معنا است؛ زیرا نمی‌توان آن را تجربه نمود.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- مقصود آنها از **تجربه** همان چیزی است که در علوم تجربی مثل فیزیک و شیمی و زیست‌شناسی مطرح می‌باشد. **تجربه** در آنجا **امر محسوسی است که قابل تکرار باشد**؛ یعنی بتوان شرایط یک پدیده را دوباره بازسازی نمود تا همان پدیده تکرار گردد. مثل این که فلزی را حرارت می‌دهند، منبسط می‌گردد. در جای دیگر با همین شرایط فلز دیگری تحت حرارت قرار می‌گیرد و آن هم منبسط می‌شود و... بنابراین مقصود از **تجربه**، آن چیزی نیست که در اصطلاح عرف گاهی به کار می‌رود و مقصود **گذراندن یک برهه‌ای از زندگی و مشاهده‌ی بعضی حوادث تاریخی** است.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- قابل توجه است که در خود غرب تجربه توسعه معنایی پیدا کرد. بحث تجربه‌ی دینی که ویلیام جیمز و امثال او مطرح کردند برای بیان عدم اختصاص تجربه به موارد خاص بود.
- آنها در علوم انسانی هم گرایش تجربی را مطرح نمودند و ادعایشان این بود که تجربه در هر علمی به حسب همان علم است.
- در هر حال، در فضایی که دیلتای زندگی می‌کرد، هنوز این بحث‌ها آن گونه که امروز مطرح است، شکل نگرفته بود.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- دیلتای در مقابل علوم تجربی، اصطلاح دیگری را به کار گرفت که ما در ترجمه‌ی آن اصطلاح آلمانی به فارسی، «علوم معنوی*» را جایگزین می‌کنیم؛ اگرچه تعبیر «علوم معنوی» دقیقاً معادل اصطلاح آلمانی نیست.
- در واقع این اصطلاح آلمانی همان است که بعدها به انسانی‌ها (هیمنیتیز)** و بعد از آن به علوم انسانی*** شهرت یافت و رشته‌های فراوانی پیدا کرد. بنابراین مقصود دیلتای از این علوم تقریباً همان است که امروز علوم انسانی می‌نامیم.

- * Geisteswissen - schaften
- ** Humanities
- *** Human Sciences

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- از بین آنچه در این علوم مطرح می‌شد، تاریخ و روان‌شناسی بسیار مورد توجه دیلتای بود. در آن دوران روان‌شناسی تازه داشت شکل می‌گرفت و در همین دوران بود که شخصیتی مثل فروید مطرح شد.
- همین‌طور در آن دوره برای آلمانی‌ها بازگشت به تاریخ و شکل‌گیری ملت آلمان بسیار اهمیت داشت.
- همین اندیشه‌ها بعدها منجر به پیدایش اندیشه‌ی نازی و جنگ جهانی دوم شد. یعنی در واقع یک بحث فلسفی سر منشأ یک بحث سیاسی گشت.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- دیلتای نیز تحت تأثیر این اندیشه در جست-وجوی معیار معنا داری علوم انسانی یا به تعبیر خودش علوم معنوی بود و از میان آنها تاریخ در مقام اول قرار داشت. برای دیلتای اثبات ارزش علمی تاریخ بسیار بااهمیت بود.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- در آن موقع که پوزیتویست‌ها با معیار خویش، تاریخ را فاقد ارزش می‌دانستند و می‌گفتند: یک حادثه‌ی تاریخی قابل تجربه نیست، نمی‌توان آن را تکرار نمود، بنابراین فاقد اعتبار است. ديلتای با استفاده از بحث شلايرماخر به دنبال راهی برای طرح ارزش علمی می‌گشت. آنچه را که شلايرماخر برای تفسیر متن به کار گرفت، او در علوم انسانی استفاده کرد و هرمنوتیک را به عنوان یک روش برای علوم انسانی معرفی نمود.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- بدین ترتیب ديلتای می گوید:
- در علوم طبیعی روش شناخت، تجربه است؛ اما در علوم انسانی روش شناخت، هرمنوتیک است.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- دیلتای علی رغم تغییری که در بحث شلایرماخر داد، به نکته‌ی اساسی بحث او پای بند بود. او هم معتقد بود که متن یک معنای نهایی دارد.
- البته تفسیر خاصی برای کشف معنای نهایی متن ارائه کرد.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- گام بعدی در هرمنوتیک توسط هایدگر صورت گرفت. وی از یک جهت در حوزه‌ی فیلسوفان اگزیستانس قرار می‌گیرد و آرای او در فلسفه مطرح می‌شود و از جهت دیگر، در زمره‌ی بنیان‌گذاران و صاحب‌نظران هرمنوتیک به حساب می‌آید.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- او توسعه‌ی دیگری به هرمنوتیک داد و شاخه‌ی جدیدی از آن را ایجاد کرد.
- وی هرمنوتیک را که تا قبل از او نهایتاً در صحنه‌ی معرفت‌شناسی مطرح بود، به صحنه‌ی وجود‌شناسی کشاند و یک بحث فلسفی را به معنای خاص کلمه مطرح نمود.
- از این رو، به هرمنوتیک هایدگر، هرمنوتیک فلسفی می‌گویند.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- آرای هایدگر برای خود غرب بسیار پیچیده تلقی می‌شده و می‌شود. تنها کتابی که هایدگر به عنوان کتاب نوشته، کتاب هستی و زمان است. بقیه آثار هایدگر سخنرانی یا مقالاتی است که بعضاً به شکل کتاب درآمده است. کتاب هستی و زمان به زبان آلمانی (زبان خود هایدگر) نوشته شد و با این که آرای او بسیار مطرح بود، تا ۲۶ سال هیچ کس نتوانست آن را به هیچ زبان اروپایی ترجمه کند. بعد از آن، دو نفر از شاگردان هایدگر کتاب را برای اولین بار به زبان انگلیسی ترجمه کردند. بر اساس آن ترجمه، ترجمه‌های دیگری هم صورت گرفت؛ و تاکنون سه ترجمه از این کتاب به زبان فارسی منتشر شده است.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- فیلسوفان غرب در فهم مطالب هایدگر با مشکل جدی مواجه هستند. برای شرق و به خصوص فیلسوفان اسلامی فهم مطالب وی خیلی راحت تر به نظر می‌رسد؛ زیرا حرف‌های او بسیار شبیه اصالت الوجودی‌ها (فیلسوفانی چون صدرالمتألیین) و بلکه شبیه وحدت الوجودی‌ها (عرفا) است.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- یک تفسیر خوش بینانه از هایدگر، او را به یک عارف به معنای اسلامی اش تبدیل می‌کند و البته یک تفسیر بدبینانه از هایدگر، از او یک ملحد می‌سازد.
- غربی‌ها اصرار دارند که هایدگر ملحد و منکر خدا است. در حالی که این طرف معتقدند، خدایی را که هایدگر انکار می‌کند، خدای مسیحی است، نه خدا به معنای کلی کلمه.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- تا اینجا خیلی بحث هرمنوتیک، بحث داغی در حوزه بحث‌های فقهی و اصولی و به طور کلی دین شناسانه‌ی ما مطرح نمی‌کند.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- بعد از هایدگر شخصیتی به نام گادامر در عرصه‌ی هرمنوتیک ظاهر می‌شود. وی در سال ۱۹۶۰ میلادی، در ۶۰ سالگی، کتابی منتشر کرد که در آن سعی نمود آرای هایدگر و دیلتای را ترکیب نماید. وی چیزی را ایجاد کرد که به آن هرمنوتیک نسبی گرامی‌گوییم.